رسول خدا صلی الله علیه و سلم استخاره در کارها را همانند سوره‌ای از قرآن به ما می‌آموختند

از جابر بن عبدالله رضی الله عنهما روایت است که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و سلم استخاره در کارها را همانند سوره‌ای از قرآن به ما می‌آموختند و می‌فرمودند: «هنگامی که هریک از شما قصد انجام کاری کرد، دو رکعت نماز به جز نماز فرض بخواند و سپس بگوید: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَخِيرُكَ بِعِلْمِكَ، وَأَسْتَقْدِرُكَ بِقُدْرَتِكَ، وَأَسْأَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ الْعَظِيمِ، فَإِنَّكَ تَقْدِرُ وَلَا أَقْدِرُ، وَتَعْلَمُ وَلَا أَعْلَمُ، وَأَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ، اللَّهُمَّ إِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ أَنَّ هَذَا الْأَمْرَ - اینجا حاجت خود را می گوید - خَيْرٌ لِي فِي دِينِي وَمَعَاشِي وَعَاقِبَةِ أَمْرِي - یا فرمود عَاجِلِ أَمْرِي وَآجِلِهِ - فَاقْدُرْهُ لِي وَيَسِّرْهُ لِي ثُمَّ بَارِكْ لِي فِيهِ، وَإِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ أَنَّ هَذَا الْأَمْرَ شَرٌّ لِي فِي دِينِي وَمَعَاشِي وَعَاقِبَةِ أَمْرِي - یا فرمود: عَاجِلِ أَمْرِي وَآجِلِهِ - فَاصْرِفْهُ عَنِّي وَاصْرِفْنِي عَنْهُ وَاقْدُرْ لِيَ الخَيْرَ حَيْثُ كَانَ ثُمَّ أَرْضِنِي بِهِ». یعنی: «بار الها، از علم تو طلب خیر می‌کنم و از قدرت تو توانایی می‌جویم و از تو خواهانِ فضل و بخشش بی‌کرانت هستم. به یقین، تو توانایی و من ناتوانم؛ و تو می‌دانی و من نمی‌دانم و تو دانای اسراری. یا الله، اگر این کار را به خیرِ دین، دنیا و فرجامِ کار من می‌دانی، آن را برای من ممکن و آسان بگردان. و اگر آن را برای دین، دنیا و عاقبت کار من زیان‌بار می‌دانی، آن را از من دور کن و مرا از انجامش منصرف بگردان و خیر را هرجا که هست، برایم مقدّر بفرما و آنگاه مرا بدان خشنود کن».

[صحیح است] [به روایت بخاری]

هرگاه مسلمانی قصد انجام کاری را داشت که راه درست در آن را نمی‌دانست، برایش مشروع است که نماز استخاره بخواند، چرا که پیامبر صلی الله علیه و سلم این نماز را همانند سوره‌ای از قرآن به اصحابشان رضی الله عنهم می‌آموختند. بنابراین، شخص دو رکعت نماز غیر واجب می‌خواند، سپس خدا را به دعا خوانده و می‌گوید: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَخِيرُكَ» (خداوندا از تو طلب خیر می‌کنم) با طلب توفیق برای بهترین دو کار، و از تو می‌خواهم «بِعِلْمِكَ» (به وسیلهٔ علم تو) آن علم گسترده‌ات که بر همه چیز احاطه دارد، «وَأَسْتَقْدِرُكَ» (و از تو طلب قدرت می‌کنم) که مرا توانا گردانی در حالی که هیچ توان و نیرویی ندارم مگر به وسیلهٔ تو «بِقُدْرَتِكَ» (به وسیلهٔ قدرت تو) آن قدرت نافذت، پس تو از هیچ چیز عاجز نیستی، «وَأَسْأَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ» (و از فضل تو می‌خواهم) و احسان «الْعَظِيمِ» (بزرگ) و گسترده‌ات؛ زیرا عطای تو فضلی از سوی توست و هیچ‌کس برای هیچ نعمتی حقی بر تو ندارد؛ «فَإِنَّكَ تَقْدِرُ» (زیرا تو توانایی) بر هر چیزی، و من ضعیف و عاجزم «وَلَا أَقْدِرُ» (و توانایی ندارم) بر هیچ چیزی مگر با یاری تو، «وَ» تو «تَعْلَمُ» (می‌دانی) با علم فراگیر و محیطت بر ظاهرها و باطن‌ها و بر خیر و شر، «وَ» من «لَا أَعْلَمُ» (نمی‌دانم) هیچ چیزی را مگر با توفیق و هدایت تو، «وَأَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ» (و تو دانندهٔ همهٔ غیب‌هایی) پس علم مطلق و قدرت نافذ از آنِ توست، و برای غیر تو از آن چیزی نیست مگر آنچه برایش مقدر کرده‌ای و بر آن توانایش ساخته‌ای. سپس مسلمان پروردگارش را می‌خواند و حاجتش را نام می‌برد و می‌گوید: «اللَّهُمَّ» (خداوندا) من کارم را به تو سپردم پس «إِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ» (اگر می‌دانی) در علمت که این کار «وَيُسَمِّي حَاجَتَهُ» (و حاجتش را نام می‌برد) مانند خریدن این خانه، یا خریدن این ماشین، یا ازدواج با این زن یا غیر آن... پس اگر این کار در علمت پیشی گرفته که در آن «خَيْرٌ لِي فِي دِينِي» (خیری برای من در دینم است) که حافظ همهٔ امور من است، «وَمَعَاشِي» (و در زندگی‌ام) در دنیایم «وَعَاقِبَةِ أَمْرِي» (و در سرانجام کارم) و آنچه کارم به آن بازمی‌گردد، یا فرمودند: «فِي عَاجِلِ أَمْرِي وَآجِلِهِ» (در کارِ حال و آینده‌ام) در دنیا و آخرت؛ «فَاقْدُرْهُ» (پس آن را مقدر کن) و آماده ساز و به انجام رسان «لِي» (برایم)، و آن را آسان کن «وَيَسِّرْهُ لِي» (و برایم آسانش گردان)، «ثُمَّ بَارِكْ» (سپس برکت ده) و خیر را «لِي فِيهِ» (برایم در آن) زیاد کن. «وَإِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ» (و اگر می‌دانی) ای خدا «أَنَّ هَذَا الْأَمْرَ» (که این کار) که برایش استخاره کردم «شَرٌّ لِي فِي دِينِي وَمَعَاشِي وَعَاقِبَةِ أَمْرِي -أَوْ قَالَ: فِي عَاجِلِ أَمْرِي وَآجِلِهِ- فَاصْرِفْهُ عَنِّي وَاصْرِفْنِي عَنْهُ، وَاقْدُرْ لِيَ الْخَيْرَ حَيْثُ كَانَ، ثُمَّ أَرْضِنِي بِهِ» (برای من در دینم و زندگی‌ام و سرانجام کارم - یا فرمودند: در کارِ حال و آینده‌ام - شر است، پس آن را از من دور بگردان و مرا از آن بگردان، و خیر را هر کجا که هست برایم مقدر

کن، سپس مرا به آن و به همهٔ قضاهایت، چه آنچه دوست دارم و چه آنچه ناخوش می‌دارم، خشنود ساز).

http://www.sunnah.global/hadeeth/fa/show/3293